

برای زندگی کردن عجله داریم!

در حاشیه جان باختن کارگری در کره جنوبی

ناصر اصغری

دهم شهریورماه هشتاد و پنج

سایت آشتی

طرف‌های ساعت ۲ و نیم صبح روز ۱ اوت ۲۰۰۶ یکی از اعضای " فدراسیون اتحادیه کارگران ساختمان سازی صنعتی " به نام " ها جنگ کیون " که بر اثر حمله‌های وحشیانه پلیس ضد شورش کره جنوبی بشدت مضروب شده بود، جان باخت. جریان اینگونه بود که روز ۱۶ ژوئیه حدود ۳۰۰۰ تن از اعضای لوکال Pohang (پوهانگ) این فدراسیون در داخل ساختمان POSCO (پاسکو- کمپانی فولاد و آهن پوهانگ) تحصن کرده بودند و " ها جنگ کیون " همراه تعدادی دیگر در بیرون ساختمان این کمپانی که در یک اعتراض حمایتی شرکت کرده بودند مورد یورش پلیس ضد شورش قرار گرفتند. و در این حمله " ها جنگ کیون " زیر ضربات بسیار شدید و وحشیانه دستجات پلیس قرار گرفت و دچار خون ریزی مغزی شد. او بعد از دو هفته جان باخت.

این خبر بار دیگر اخبار مربوط به جنبش کارگری کره جنوبی را به صدر اخبار کارگری کشاند. گرچه در چند سال گذشته جنبش کارگری کره جنوبی در صدراخباری کارگری قرار داشته است، و در واقع خیابانها را برای روزهای پی در پی به کنترل خود در می آورد، اما رهبران اتحادیه‌های کارگری این کشور در برخورد به زور گوئی‌های کارفرمایان بسیار محتاطانه و محافظه‌کاران برخورد کرده‌اند. با خبر مرگ " ها جنگ کیون " KCTU (کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری کره) و KFCITU (فدراسیون اتحادیه کارگران ساختمان سازی صنعتی کره) با صدور یک اطلاعیه دفاعی، نکات مهم و افشاکننده‌ای را در اختیار خوانندگان قرار داده‌اند. حتی با خواندن این اطلاعیه تا حدودی محافظه کاری این تشکلهای قابل درک می‌گردد. با این وجود جنبش کارگری کره جنوبی برای خوانندگان فارسی زبان نسبتا ناشناخته مانده است. این مطلب کوتاه سعی دارد با استفاده از یکی دو مطلب ترجمه شده به انگلیسی و اطلاعیه مذکور تصویری از وضعیت بخشی از کارگران کره جنوبی را در اختیار خوانندگان قرار بدهد.

موضوع مربوط به مرگ "ها جنگ کیون" از این قرار بوده که روز ۱ ژوئیه امسال (۲۰۰۶) بیش از ۴۰۰۰ تن از کارگران عضو لوکال پوهانگ با خواسته‌هایی از جمله ۱۵ درصد افزایش دستمزد، اجرای هفته کار ۵ روزه و پایان دادن به برخورد غیر انسانی در محیط کار، دست به اعتصاب می‌زنند. گرچه اعضای این لوکال توسط مقاطعه کاران

فرعی استخدام میشوند، اما اکثر آنها در کارخانه‌ای مشغول به کارند که مدیریت آن در دست پاسکو است. و در نتیجه پاسکو تأثیری انکارناپذیر بر تصمیم مقاطعه‌کاران در مذاکره و یا عدم مذاکره با اتحادیه را دارد. اتحادیه قادر شد پاسکو را وادار کند که این کمپانی با میانجی‌گیری خود تضمین کند که مقاطعه‌کاران با اتحادیه مذاکره کرده و مهمتر از آن پاسکو قبول کرد که راه حل مثبتی برای خاتمه اعتصاب پیشنهاد کند. اما دو روز بعد کارگران خبردار شدند که پاسکو کارگران دیگری به جای اعضای اتحادیه مذکور استخدام کرده است. با شنیدن این خبر بیش از ۳۰۰۰ تن از کارگران به طرف دفتر مرکزی پاسکو به راه افتادند. پاسکو با اعلام اینکه نمیتواند در اختلافات بین کارگران و مقاطعه‌کاران دخالت کند، هرگونه مسئولیتی را از خود سلب کرد. اما کارگران این دلیل را نامربوط خواندند و از پاسکو خواستند که از این کرده خود از کارگران عذرخواهی بکند. در عوض پاسکو پلیس ضدشورش صدا کرد و کارگران نیز که با حدود ۱۰ هزار پلیس ضدشورش مواجه میشدند، به جای درگیری با این نیروی نابرابر و تا به دندان مسلح، تصمیم به اشغال دفتر مرکزی این کمپانی کرده و در آنجا دست به تحصن زدند. ۹ روز تمام کارگران متحصن در محاصره پلیس ضدشورش بودند. در طول این مدت نمایندگان اتحادیه دو روز پیپی با مقاطعه‌کاران بدون هیچگونه نتیجه‌ای مذاکره کردند. کارگران متحصن در اینجا هم با فشارهای پاسکو مواجه شدند. در چهار روز آخر تحصن، با مداخله پاسکو آب و برق روی کارگران قطع شد. گرچه در این تحصن کارگران به هیچگونه اقدامی که پلیس آن را بهانه کرده و خشونت آمیز بداند، دست نزدند، اما پلیس در تباری با پاسکو حاضر نبود بدون ضرب و شتم و دستگیری کارگران مسئله را خاتمه یافته بداند. کارگران داوطلبانه بعد از نه روز تحصن محل تحصن را ترك کردند؛ اما به محض ورودشان به محوطه بیرونی ساختمان محل تحصن، پلیس ۱۳۸ تن از کارگران را به جرم سازماندهندگان اصلی این تحصن بازداشت کرد. به گفته اتحادیه مزبور تا ساعت ۱۰ صبح ۲۷ ژوئیه، ۲۹ تن از این بازداشت شدگان در اعتراض به سرکوبهای دولت و اقدامات ضد اتحادیه‌ای شرکت پاسکو در اعتصاب غذا به سر میبردند.

پاسکو و نمایندگان سیاسی - نظامی‌اش تصمیم گرفته بودند که این اعتصاب کارگران را در هم بشکنند. تمام مدتی که کارگران متحصن در دفتر مرکزی پاسکو زیر فشار پلیس و ماموران پاسکو بودند، رئیس لوکال اتحادیه متحصن اعلام میکرد که کارگران حاضرند محل را ترك کنند اگر مقاطعه‌کاران حاضر شوند به سر میز مذاکره برگردند، اما این خواست ابتدایی کارگران با بی‌اعتنائی روبرو شد. حتی با پا درمیانی کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری کره، حزب سوسیال دمکرات کره و نمایندگان گروه‌های متعدد دیگر، باز دولت، مدیریت پاسکو و مقاطعه‌کاران فرعی حاضر نشدند راه مذاکره را با کارگران در پیش بگیرند. پاسکو همچنین برای در هم شکستن اعتراض و روحیه کارگران اعتصابی در نظر دارد حداقل در طول این اعتصاب، از کارگران مهاجر استفاده کند که این امر باعث نگرانی تشکل‌های کارگری در دامن زده شدن به اختلاف بین کارگران مهاجر و کارگران بومی اعتصابی شده است. علاوه بر همه اینها پاسکو اهالی شهر پوهانگ را بر علیه تشکل کارگران اعتصابی با این عنوان که این کارگران يك تصویر بد و خشنی از شهر به دست میدهند، تحريك کرده است. لازم به یادآوری است که پاسکو حداقل ۷۰ درصد اقتصاد شهر پوهانگ را در دست دارد، در نتیجه تصور اینکه شهرداری و سرمایه‌داران این شهر بر علیه کارگران وارد عمل شوند، نباید زیاد سخت باشد.

پاسکو بعد از این تحصن با توجه به نفوذ سیاسی و اقتصادی‌ای که دارد، کارگران متحصن را تعدادی گانگستر خشن معرفی کرده تا افکار عمومی بخصوص اهالی شهر پوهانگ را بر علیه تشکل کارگران بشوراند. بر همین ساز و کار است که مطبوعات اصلی کره جنوبی کارگران را خشن و اعتصاب آنها را غیرقانونی معرفی کرده و در عین حال از پاسکو يك شرکت مظلوم که کارگران اعتصابی با اعتصاب غیرقانونی خود به حریم آن تجاوز کرده‌اند، به خورد افکار عمومی می‌دهند. در این اعتصاب نیز نقش رسانه‌های رسمی کره جنوبی همان بود که همیشه بوده است. این رسانه‌ها جنبش کارگری کره را به عنوان يك جریان خشن، خرابکار و اخلاک‌گر به جامعه و افکار عمومی معرفی میکند، در حالیکه در برابر بیعدالتی‌ها و سرکوب کارگران توسط پلیس خفه خون گرفته و پلیس، شرکتهای چند ملیتی و دولت را قربانیان خشونت کارگران معرفی میکنند!

جدا از ۱۰ هزار پلیس یاد شده، به هزاران پلیس دیگر از سرتاسر کره جنوبی برای مقابله با کارگران آماده باش داده شد. در بیرون محل تحصن، کارگران باقی مانده دست به يك اعتصاب حمایتی از کارگران متحصن زدند که با حمله پلیس روبرو شدند. چندین تن از کارگران چنان مورد ضرب و شتم پلیس قرار گرفتند که برای مداوا به بیمارستان منتقل گردیدند. در همین حمله بود که "ها جنگ کیون" مورد ضربات پی در پی پلیس به سرش میشود و بعد از دو هفته جان می‌بازد. اعضای اتحادیه یاد شده در شهرها و استانهای دیگر کره جنوبی در اعتراض به این بربریت پلیس آماده اعتراض شدند اما پلیس با استفاده از روشهای سرکوبگرانه مختلف از این اعتراض جلوگیری کرد.

پاسکو چیست؟

در این نوشته مرتب از "پاسکو" اسم برده شده است. اما پاسکو چیست و چه جایگاهی دارد؟ گرچه پاسکو نماینده رسمی دولت و سیستم سرمایه‌داری کره جنوبی نیست، اما شرکتی است که از نظر کارگران شهر پوهانگ، سرمایه‌داری کره جنوبی در آن متجسم گردیده است. گزارش سال ۲۰۰۵ درآمدهای شرکتهای بزرگ، سود پاسکو را ۶ میلیارد دلار آمریکا گزارش کرده بود. اما کارگزارانش در وضعیتی غیرانسانی کار و زندگی میکنند. و همانطور که بالاتر اشاره شد، حداقل ۷۰ درصد اقتصاد شهر پوهانگ را در دست دارد. بر شهرداری و سیاستمداران این شهر نفوذ بیش از حدی دارد؛ و مطبوعات این شهر وقایع را با عینک پاسکو منعکس میکنند. پاسکو همانند دیگر شرکتهای بزرگ اینچنینی حواسش هست که تصویر خشن و بی‌رحمی از خود چه در داخل کره و در خارج از آن به دست ندهد. میلیونها دلار به نهادهای محیط زیستی، فرهنگی و حقوق بشر اهدا کرده است. حتی اطلاعیه مطبوعاتی مشترک فدراسیون و کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری کره جنوبی در خصوص مرگ "ها جنگ کیون" هم با احتیاط نوشته شده است.

پاسکو از جمله تولیدکننده فولاد است و برای کارهای ساختمانی مناطق صنعتی فراوردهای فولاد را تولید و تامین میکند و بسیاری شرکتهای ساختمانی وابسته به آن هستند. کارگران ساختمانی کارخانجات صنعتی در ساختن و یا

نوسازی کارخانجات و شرکتهای بزرگی که سابقا در بخش پتروشیمی، نفت و دیگر مواد شیمیایی خطرناک فعال بودند، کار میکنند. کار این بخش از کارگران در کل بسیار سخت و پر مخاطره است. در معرض انواع مواد شیمیایی کشنده قرار دارند. به گزارش اتحادیه کارگران این بخش، کارگران ساختمان سازی صنعتی، در میانگین نزدیک به ۱۰ ساعت در روز و هر هفت روز هفته را کار میکنند. علاوه بر این از هیچگونه مزایای درمانی و اجتماعی و همچنین حقوق مرخصی برخوردار نیستند. اکثر کارگران این بخش هیچ وقت نتوانسته‌اند وقت کافی به خانواده‌هایشان بگذرانند. بسیاری از اعضای خانواده آنها که دنیا می‌آیند با پدرانشان کاملا بیگانه‌اند. یکی از کارگران می‌گوید که " هیچ وقتی را با دخترش نگذراند و اکنون دخترش دیگر بچه نیست."

علاوه بر این با اینکه استفاده از آزبست در کره جنوبی ممنوع اعلام گردیده است، با این حال کارخانجات سر به کمپانی پاسکو هنوز از این ماده خطرناک استفاده میکنند؛ و در نتیجه کارگران این بخش در خطر دائم در معرض قرار گرفتن ماده سرطانزا آزبست قرار دارند. با این وجود وضع دستمزد کارگران در پاسکو بسیار از میانگین دستمزدهای این بخش از کارگران پائین‌تر است. اتحادیه کارگران ساختمان سازی صنعتی می‌گوید که یک کارگر شاغل این اتحادیه در شرکت پاسکو برای ۱۰ ساعت کار چیزی حدود ۹۰ دلار آمریکائی دستمزد دریافت میکند. در حالیکه در شهرهای مجاور شهر پوهانگ، کارگران این بخش ۱۵۰ دلار دستمزد می‌گیرند.

شرایط ایمنی کار کارگران هم تعریفی ندارد. علاوه بر در معرض مواد سمی و سرطانزا قرار گرفتن کارگران، پاسکو حتی موارد بسیار پیش پا افتاده را هم رعایت نمیکند. گرچه حدود ۴ هزار کارگر ساختمان سازی صنعتی در کارخانجات پاسکو مشغول بکارند، اما این شرکت هیچگونه امکاناتی برای استحمام بعد از کار و حتی عوض کردن لباسهایشان در اختیار کارگران قرار نداده است. کارگران مجبورند در همان فضای سرباز بعد از کار لباسهایشان را عوض کنند. توالتهای موجود برای کارگران نیز به هیچ عنوان با تعداد کارگران خوانائی ندارند. فقط ۷ توالت برای ۴ هزار کارگر! کارگران همچنین مجبورند موقع غذاخوری در همان جایی که مشغول بکارند، و در فضای آلوده غذا بخورند. همین عدم رعایت این موارد پیش پا افتاده از جانب پاسکو است که یکی از ۳ خواست اصلی کارگران متحصن " پایان دادن به برخوردهای غیرانسانی " بود.

اعضای لوکال پوهانگ اتحادیه ساختمان سازی صنعتی، کارگران قراردادی هستند. کارگران قراردادی در این گوشه از جهان نیز مورد ستم مضاعف قرار گرفته‌اند. کارگران دائم مستقیما از جانب خود شرکت استخدام می‌گردند. اما اعضای این اتحادیه در واقع استخدامی مقاطعه کاران فرعی هستند و در نتیجه از ۳ حق پایه‌ای قانونی (۱) حق (تشکل، ۲) حق اعتصاب و ۳) حق قرارداد دسته جمعی، بی‌بهره‌اند. گرچه دستمزدها، شرایط کار، ساعات کار و غیره از جانب شرکت اصلی تعیین می‌گردد، اما با این همه این کارگران از حق و حقوق کارگران دائم برخوردار نیستند. دستمزد این کارگران قراردادی را در واقع شرکتهای اصلی پرداخت میکنند، اما این کارگران باید با مقاطعه

کاران فرعی قرارداد ببندند و مذاکره کنند. در بسیاری مواقع با تشکل یابی کارگران قراردادی ، کمپانیهای اصلی قرارداد با مقاطعه کاران فرعی را فسخ میکنند. در نتیجه بسیاری از مقاطعه کاران فرعی از مذاکره با تشکلهای کارگران خودداری میکنند. در بسیاری مواقع نیز در عدم به رسمیت شناسی و عدم مذاکره با تشکلهای کارگران، کمپانیهای اصلی مسئولیت را به گردن مقاطعه کاران و مقاطعه کاران نیز مسئولیت را به گردن کمپانیهای اصلی می اندازند. اما جالب است بدانید که صاحبان بسیاری از همین شرکتهای مقاطعه کاری مدیران قبلی همین شرکتهای اصلی هستند که همین خود پیچیدگیهایی را در برخورد این شرکتهای با کارگران بوجود می آورد.

جنبش کارگری کره يك جنبش میلیتانت و وسیع است. جنبش کارگری و اعتراضات کارگری کره جنوبی، وضعیت کارگران در پاسکو، سرکوبهای پلیس، تشکلهای کارگری و غیره به هیچ وجه آنطور که باید و شاید شناخته شده نیستند و در این یادداشت کوتاه نمیتوان همه آن را به تصویر کشید. آنچه خواندید گوشه کوچکی از واقعیتی بسیار بزرگ است.

ناصر اصغری

۲۰ اوت ۲۰۰۶

nasser_asgary@yahoo.com